

رابطه هوش معنوی، سبک های فرزندپروری و تاب آوری در پیش بینی سازگاری اجتماعی دانش آموزان

مهناز کهریزه

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی، سبک های فرزندپروری و تاب آوری در پیش بینی سازگاری اجتماعی دانش آموزان انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی دانش آموزان دوره سوم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تشکیل می دادند که از میان آنها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای تعداد ۱۸۱ دانش آموز به عنوان نمونه انتخاب شدند. از پرسشنامه هوش معنوی کینگ، پرسشنامه سازگاری اجتماعی لامبرت و همکاران، پرسشنامه تاب آوری کارنر و دیویدسون و پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامرید برای جمع آوری داده ها استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. یافته ها نشان داد که بین هوش معنوی، سبک فرزندپروری مقتدرانه و تاب آوری با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و سبک فرزندپروری استبدادی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هوش معنوی، سبک های فرزندپروری و تاب آوری قابلیت پیش بینی ۴۰ درصد قابلیت پیش بینی سازگاری اجتماعی دانش آموزان را دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که هوش معنوی، سبک های فرزندپروری و تاب آوری از متغیرهای مرتبط با سازگاری اجتماعی دانش آموزان می باشد که نیازمند توجه و برنامه ریزی است.

واژه های کلیدی: هوش معنوی، سبک های فرزندپروری، تاب آوری، سازگاری اجتماعی، دانش آموزان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

سازگاری^۱ را می توان به توانایی درهم آمیزی، همکاری و کنار آمدن با خود، محیط، جامعه و دیگران در نظر گرفت. سازگاری مستلزم به کارگیری راهکارهای شناختی و رفتاری است که افراد برای مقابله با موقعیت های پرتنش از آن ها استفاده می کنند (باقرزاده نیم چاهی، حسینی طیقدهی و حافظیان، ۱۳۹۷). تانی^۲ (۲۰۰۲) سازگاری های دانش آموزان را به دو دسته تحصیلی و هیجانی تقسیم می کند. هیجان تحصیلی توانایی فرد برای کنار آمدن با تقاضاهای تحصیلی و فعالیت های مدرسه و سازگاری هیجانی فرایند سازگاری فرد با احساسات و عواطف خود است. سازگاری مستلزم اصلاح تکانه ها، هیجانات با نگرش هاست (به نقل از امان الهی، عطاری و خجسته مهر، ۱۳۸۸).

برخی از محققان ابعاد سازگاری را شامل سازگاری جسمانی^۳، روانی^۴، اجتماعی^۵ و اخلاقی^۶ در نظر گرفته اند که در راس همه ی آنها، سازگاری اجتماعی قرار دارد. پیش درآمد رسیدن به سازگاری های روانی، اخلاقی و جسمانی، سازگار شدن از لحاظ اجتماعی است (رشیدی، ۱۳۹۵). سازگاری اجتماعی به معنای سازش شخص با محیط اجتماعی است که این سازگاری می تواند به وسیله وفق دادن خود با محیط یا تغییر محیط اطراف برای رفع نیازها و رسیدن به مطلوب ایجاد شود. شرط بقای زندگی انسان جنبه اجتماعی آن است. رشد اجتماعی افراد در تعامل با دیگران و پذیرش مسئولیت های اجتماعی شکل می گیرد (عدلی، حیدری، زارعی و صادقی فرد^۷، ۲۰۱۳). مشکلات سازگاری اجتماعی می تواند روی تعهدات فردی و اجتماعی تاثیر بگذارد و موجب مشکلاتی در سلامت فردی و اجتماعی شود. زمانی که روابط اجتماعی گسسته شود، توانایی تنظیم و مدیریت رفتار نیز از بین می رود. کمبود یا نبود روابط اجتماعی که در نتیجه سازگاری اجتماعی نامطلوب رخ می دهد، می تواند روی انگیزه و سلامت روان فرد تاثیر منفی بگذارد (جورج و اکیانگ^۸، ۲۰۱۲) و موجب عملکرد روانی ضعیف مانند احساس گناه، خودپنداره منفی، ناامیدی، عزت نفس پایین، انزوا و رضایتمندی پایین از زندگی شود (امرسون و لیولین^۹، ۲۰۰۸).

سازگاری اجتماعی در دانش آموزان به عنوان مهمترین نشانه ی سلامت روان آنها، از مباحثی است که در دهه های اخیر توجه بسیاری از جامعه شناسان، روان شناسان و مربیان را به خود جلب کرده است؛ زیرا دوره کودکی دوره حساسی است و آینده ی آنان تحت تاثیر قرار می گیرد که می تواند چالش های اجتماعی برای آنها ایجاد کند (یارمحمدیان و شرفی راد، ۱۳۹۰). مهمترین نگرانی در مدارس کنونی، ناسازگاری هایی است که در کلاس اتفاق می افتد. دانش آموزان در مدارس، مسائل متعددی

^۱. Compatibility

^۲. Tany

^۳. Physical

^۴. Psychological

^۵. social

^۶. Moral

^۷. Adli, Haidari, Zarei & Sadeghifard

^۸. George & Ukpong

^۹. Emerson & Liewellyn

را در ارتباط با سازگاری تجربه می کنند (بیجورکلاند رهلینگ^{۱۰}، ۲۰۱۰). بدرفتاری و ناسازگاری دانش آموزان می تواند کل فرایند یادگیری را تحت شعاع خود قرار دهد و با مشکل مواجه کند (پنگ^{۱۱}، ۲۰۱۵).

از این رو، برای اصلاح این گونه اختلال های رفتاری، یافتن عوامل تاثیرگذار بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان ضروری است. در این راستا، در این پژوهش به نقش عوامل هوش معنوی^{۱۲}، سبک های فرزندپروری^{۱۳} و تاب آوری^{۱۴} پرداخته شده است.

به نظر می رسد هوش معنوی به سبب نزدیکی و ارتباط مثبت با سلامتی و بهزیستی روانشناختی با سازگاری اجتماعی که از مولفه های مهم سلامتی است، رابطه دارد (هورد و سیلیبی^{۱۵}، ۲۰۱۳). هوش معنوی بیانگر مجموعه یی از توانایی ها و ظرفیت هایی است که کار در جهت آنها منجر به افزایش انطباق پذیری می شود (موحد و همکاران، ۱۳۹۷). معنویت، شکلی از هوش تلقی می شود؛ زیرا به فرد امکان می دهد تا مسائل خود را حل کند و با محیط و رویدادهای زندگی مقابله نماید و سازگار گردد. زوهارو مارشال^{۱۶} (۲۰۰۰؛ به نقل از میکائیلی منیع، بابایی و حسنی، ۱۳۹۳) معتقدند: هوش معنوی موجب می شود فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی بینشی عمیق بیابد و از سختی های زندگی نترسد و با صبر و تفکر با آنها مقابله کند و راه حل های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. در حقیقت، این هوش موجب می شود فرد از دیدگاه و رویکردهای گوناگون به مسئله ی پیش رو نظر کرده، به راه حل های متنوع دست یابد. شریفی ریگی و بساک نژاد (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین همه متغیر های پیش بین و متغیر ملاک، همبستگی معنی داری وجود داشت. همچنین بین انعطاف پذیری شناختی و متغیر ملاک، همبستگی مثبت و معنی داری یافت شد. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد بلوغ عاطفی، خودتاب آوری و هوش معنوی با کنترل انعطاف پذیری شناختی، قادر به تبیین و پیش بینی ۲۶٪ از واریانس سازگاری با دانشگاه می باشد. میکائیلی و منیع و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که هوش معنوی، دینداری، بخشش و مولفه های آنها با سازگاری رابطه ای مثبت معنادار داشته، قادرند سازگاری را پیش بینی و تبیین کنند. گابالا و زاید^{۱۷} (۲۰۱۸) در بخشی از پژوهش خود که به بررسی نقش میانجی هوش معنوی و بخشش در ارتباط بین راهبردهای مقابله ای و بهزیستی نشان دادند که هوش معنوی موجب تقویت روابط اجتماعی می گردد.

از دیگر متغیرهای مرتبط با سازگاری اجتماعی دانش آموزان، سبک های فرزندپروری می باشد. باورهای فرزندپروری را اولین بار بامریند بیان کرد. بامریند پیرامون سبک های فرزندپروری والدین را به سه دسته تقسیم کرده است: والدین مقتدر که بر اساس قواعد و مقررات بر رفتارهای کودکان نظارت می کنند، رفتارهای بد فرزندان را اصلاح می نمایند، تشویق کننده فردیت و روابط باز متقابل هستند و رفتارهای گرم و حمایت گرانه دارند. فرزندان خانواده های سهل گیر از مهارت های خوداتکایی و خودکفایی برخوردار نبوده و پذیرای مسئولیت نیستند. همچنین فرزندان خانواده های مستبد، کودکانی گوشه گیر، ترسو و فاقد حس

^{۱۰}. Bigourklund & Rehling

^{۱۱}. Peng

^{۱۲}. Spiritual Intelligence

^{۱۳}. Parenting styles

^{۱۴}. Resilient

^{۱۵}. Hoverd & Sibley

^{۱۶}. Zoharou Marshall

^{۱۷}. Gaballah & Zayed

استقلال هستند، کم جرات و بدگمان‌اند و نیز از مهارت‌های اجتماعی پایین و سطح بالایی از افسردگی و اضطراب برخوردارند (دهقانی، اصلانی و دریکوندی، ۱۳۹۳). سبک‌های فرزندپروری والدین در درازمدت، نه تنها بر رابطه والد-فرزند تأثیر می‌گذارند، که اثر شگرف خود را بر نگرش‌ها و رفتارهای کودکان نشان می‌دهند (اشر و هانسن^{۱۸}، ۲۰۱۴). حیدری، فلاحی و حاجیلو (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سازگاری دانش آموزان با مدرسه باسبک فرزندپروری مقتدر و سبک دلبستگی ایمن ارتباط مثبت ولی با دلبستگی ناایمن ارتباط منفی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد سبک فرزندپروری مقتدر و سبک دلبستگی ایمن به صورت مثبت و سبک دلبستگی ناایمن به صورت منفی قادر به پیش بینی سازگاری دانش آموزان با مدرسه می باشند. صلیبی و احمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین نمرات سازگاری نوجوانان بنا بر شیوه‌های فرزندپروری مادران تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی شیوه‌های فرزندپروری نقش تعیین‌کننده‌ای در سازگاری عاطفی نوجوانان دارد. کرزو^{۱۹} و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به این نتیجه رسید که سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی در افزایش مهارت‌های اجتماعی اثرگذار است. دیاکونوگراسیم و ماریان^{۲۰} (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه رسیدند که سبک‌های فرزندپروری به صورت معنی داری با سازگاری، جهت‌گیری هدف و پیشرفت تحصیلی نوجوانان مرتبط است. از دیگر عوامل موثر در افزایش سازگاری اجتماعی در دانش آموزان، تاب‌آوری می باشد. تاب‌آوری از جمله مفاهیمی است که تأثیر زیادی بر روانشناسی گذاشته‌است، زیرا که روان‌شناسی را از بررسی افراد بیماری که مشکلات متعددی دارند به سمت افرادی برد که با وجود مشکلات متعدد بر موقعیتهای مشکل زندگی غلبه می‌کنند و موفقیت به دست می‌آورند (حسین‌خانی و مرادیانی گیزه‌رود، ۱۳۹۳). تاب‌آوری جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌های روانشناسی تحول، روان‌شناسی خانواده و بهداشت روانی یافته‌است، به طوری که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این سازه افزوده می‌شود (مرتضوی و یاراللهی، ۱۳۹۴). فریدمن^{۲۱} (۲۰۱۳) تاب‌آوری را به عنوان عبور از دشواری‌ها و غلبه بر شرایط در زندگی تعریف می‌کند. فراهانی و حیدری (۱۳۹۷) تاب‌آوری را سازگاری مثبت فرد در واکنش به شرایط ناگوار تعریف می‌کند. شکری و سیاردوست تبریزی (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بخشی از پراکندگی مشترک بین دوایر مفهومی ارزیابی‌های شناختی و حمایت اجتماعی ادراک شده با رفتارهای سلامت و بهزیستی هیجانی از طریق تاب‌آوری روان‌شناختی قابل تبیین است. شیخ‌الاسلامی، صادقی ولنی و محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین تاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سازگاری همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. تامپسون^{۲۲} و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ی خود نشان دادند که تاب‌آوری و رفتارهای اجتماعی با یکدیگر ارتباط مستقیم و معناداری دارد.

حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا بین هوش معنوی، سبک‌های فرزندپروری و تاب‌آوری در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟ و آیا این متغیرها می‌توانند سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند؟

^{۱۸}. Scheier & Hansen

^{۱۹}. Cerezo

^{۲۰}. Diaconu-Gherasim & Mairean

^{۲۱}. Friedman

^{۲۲}. Thompson

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان در حال تحصیل در دوره سوم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ شهر تهران بود که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای تعداد ۲۰۰ دانش آموز به عنوان نمونه انتخاب شدند که بعد از کنار گذاشتن پرسشنامه های ناقص، پرسشنامه ای ۱۸۱ دانش آموز قابل تحلیل بود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه هوش معنوی کینگ: کینگ این پرسشنامه را که دارای ۲۴ سوال و ۴ زیرمقیاس تفکر وجودی-انتقادی (۷ سوال)، ایجاد معنای شخصی (۵ سوال)، آگاهی متعالی (۷ سوال) و گسترش حالت هوشیاری (۵ سوال) است، طراحی کرده است. مجموع نمره های این چهار زیرمقیاس، نمره ی کل هوش معنوی را تشکیل می دهد. کمترین نمره ی به دست آمده در این آزمون ۲۰ و بیشترین ۱۲۰ است. روایی و پایایی ابزار مورد استفاده، در مطالعه ی رقیبی و همکاران در سال ۱۳۸۹ تأیید شده است (آلفای کرونباخ=۸۹ درصد) (معلمی، ۱۳۸۹).

پرسشنامه سازگاری اجتماعی: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۴ در آمریکا توسط لامبرت، ویندملر، کل و فیگوروا برای استفاده در مورد دانش آموزان ۷ تا ۱۳ ساله طراحی شده است. این پرسشنامه، در سال ۱۳۷۱ توسط دکتر شهینی ییلاق ترجمه و بر روی ۱۵۰۰ دانش آموز دختر و پسر مقطع دبستانی کلاس های اول تا پنجم شهر اهواز هنجاریابی شده است. این آزمون از ۱۱ خرده مقیاس، ۳۸ زیر مجموعه و ۲۶۰ سوال تشکیل می شود. ضرایب اعتبار آزمون از طریق ضریب همبستگی مورد استفاده در اعتباریابی به ترتیب ۰/۵۵ و ۰/۶۰ است که هر دو در سطح آماری ۰/۰۱ معنی دارند. اعتبار ۱۱ خرده مقیاس این آزمون براساس محاسبه ضریب همبستگی آن ها در مقیاس اصلی با همان ۱۱ خرده مقیاس به دست آمد. این ۲۲ ضریب اعتبار از ۰/۱۶ تا ۰/۶۳ دامنه تغییر دارند که به جزء یکی بقیه آن ها در سطوح آماری ۰/۰۵ تا ۰/۰۱ معنی دارند. ضریب پایایی خرده مقیاس های آن با همان روش از ۰/۵۷ تا ۰/۹۱ می باشد که همگی در سطح آماری ۰/۰۱ معنی دارند. نقطه برش این آزمون ۷/۶۵ می باشد که با استفاده از میانگین به دست آمده است. کسب نمرات بالا در این آزمون نشانه پایین بودن سازگاری اجتماعی است (محمدی، ۱۳۸۷).

پرسشنامه تاب آوری کانر و دیویدسون: این پرسشنامه را کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) با مرور منابع پژوهشی ۱۹۷۹-۱۹۹۱ در حوزه تاب آوری به دست آوردند. این پرسشنامه شامل ۲۵ عبارت است. هر گویه بر اساس مقیاس لیکرت بین صفر (کاملاً نادرست) و پنج (همیشه درست) نمره گذاری می شود. بنابراین حداکثر نمره در این پرسشنامه صد است. و نمره هر آزمودنی برابر مجموع نمرات یا کل ارزش های به دست آمده از هر یک از سوالات است. ضریب پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ بوده است و روایی به روش تحلیل عاملی برابر با ۰/۸۷ به دست آمده است. (کرد میرزا، ۱۳۸۸).

پرسشنامه سبک های فرزندپروری: فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسشهای شماره ۱۳، ۱۴، ۲۸ و ۲۶ روی هیچ عاملی بار نمی شوند در نتیجه پرسش های مذکور حذف شدند. این پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. جمله های شماره ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۶، ۱ به شیوه ی

سهل گیرانه و جمله های شماره های ۲۹، ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱، ۲۵، ۲۶ به شیوه ی استبدادی و جمله های ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰ به شیوه ی قاطع واطمینان بخش مربوط میباشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تاحدودی موافقم، تاحدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است. میزان پایایی پرسشنامه از طریق بازآزمایی که به وسیله بوری (۱۹۹۱) به دست آمده بدین صورت است: ۰/۸۰ برای سهل گیرانه مادر، ۰/۸۶ برای استبدادی مادر، ۰/۷۸ برای دموکراتیک مادر، ۰/۷۷ برای سهل گیرانه پدر، ۰/۸۵ برای استبداد پدر، ۰/۹۲ برای دموکراتیک پدر. بوری برای مشخص کردن میزان اعتبار پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نموده و نتایج زیر به دست آورده است، مستبد بودن مادر رابطه معکوس با سهل گیرانه مادر (۰/۳۸-) و دموکراتیک مادر (۰/۴۸-) داشت. همچنین، مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری پدر (۰/۵۰-) و دموکراتیک پدر (۰/۵۲) داشت (ظروفی، ۱۳۸۰).

یافته ها

جدول ۱: آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
هوش معنوی	۹۵/۱۴	۱۵/۵۲
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	۳۴/۳۹	۳/۸۸
سبک فرزندپروری مستبدانه	۳۵/۳۴	۵/۵۶
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۲۰/۲۷	۳/۸۵
تاب آوری	۴۷/۷	۱۱/۸
سازگاری اجتماعی	۲۳/۸۹	۳/۸۹

جدول ۱ آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می دهد. بالاترین میانگین مربوط به متغیر هوش معنوی (۹۵/۱۴) و پائین ترین میانگین مربوط به متغیر سبک فرزندپروری مقتدرانه (۲۰/۲۷) بود.

جدول ۲- ضرایب همبستگی هوش معنوی، سبک های فرزندپروری، تاب آوری با سازگاری اجتماعی

متغیرها	R	Sig
هوش معنوی	۰/۱۵	۰/۰۱
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	-۰/۱۰	۰/۰۱
سبک فرزندپروری مستبدانه	-۰/۰۴	۰/۰۱
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۱۴	۰/۰۱
تاب آوری	۰/۲۴	۰/۰۱

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، بین هوش معنوی با سازگاری اجتماعی ($r=0/15, p<0/01$)، سبک فرزندپروری مقتدرانه با سازگاری اجتماعی ($r=0/14, p<0/01$) و بین تاب آوری با سازگاری اجتماعی ($r=0/24, p<0/01$) همبستگی

مثبت معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبدانه با سازگاری اجتماعی ($r=0/04$, $p<0/01$) و بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه با سازگاری اجتماعی ($r=-0/10$, $p<0/01$) همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

جدول ۳- خلاصه مدل تحلیل رگرسیون جهت پیش بینی سازگاری اجتماعی

مدل	R	R ^۲	R تعدیل شده	F	Sig
۱	۰/۶۴	۰/۴۰	۰/۴۲	۱۲/۰۳۰	۰/۰۰۱

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، تقریباً ۴۰ درصد از واریانس سازگاری اجتماعی براساس متغیرهای هوش معنوی، سبک های فرزندپروری و تاب آوری قابل پیش بینی است.

جدول شماره ۴- ضرایب بتا و ازمون معناداری t برای متغیرهای پیش بین

متغیرملاک	متغیرهای پیش بین	B	β	T	Sig
مقدار ثابت		۴۴/۷۴۲	-	۱۵/۶۷	۰/۰۰۱
هوش معنوی		۰/۷۶	۰/۴۳	۰/۸۲	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	سازگاری	-۰/۱۷۴	-۰/۰۱۶	-۰/۲۳	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مستبدانه	اجتماعی	-۰/۳۲	-۰/۴۳۵	-۰/۳۲	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مقتدرانه		۰/۴۳۶	۰/۰۱۹	۰/۴۲	۰/۰۰۱
تاب آوری		۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۰۰۱

همانگونه که در جدول ۴ ملاحظه می شود، از بین متغیرهای پژوهش به ترتیب هوش معنوی، سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک فرزندپروری مستبدانه، سبک فرزندپروری سهل گیرانه و تاب آوری، پیش بینی کننده های معنی داری برای سازگاری اجتماعی بودند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف رابطه هوش معنوی، سبک های فرزندپروری و تاب آوری در پیش بینی سازگاری اجتماعی دانش آموزان انجام گرفت. یافته ی اول پژوهش نشان داد بین هوش معنوی با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با یافته های ریگی و بساک نژاد (۱۳۹۷)، میکائیلی و منیع و همکاران (۱۳۹۳) و گابالا و زاید (۲۰۱۸) همسو می باشد. در تبیین یافته ی حاضر می توان اینگونه بیان کرد که هوش به عنوان یک توانایی اساسی و ضروری برای انطباق یافتن با محیط و هوش معنوی به عنوان یکی از زیرمجموعه های هوش کلی، مهم ترین نقش را در تطابق فرد با محیط، جامعه و دیگران دارد. به این سبب، افراد با هوش معنوی بالا در زندگی روزمره ی خود توانایی سازگاری بیشتر بوده، بهتر می توانند با محیط و موقعیت های جدید زندگی انطباق می یابند. افزایش هوش معنوی نشان دهنده توانایی برای تعامل و حل کارآمد مسائل و مشکلات می باشد و مشخصاً یکی از ضروریات سازگاری اجتماعی می باشد. از این رو، هوش معنوی لازمه ی سازگاری بهتر با جامعه است و دانش آموزانی که هوش معنوی بالاتری دارند، تحمل بیشتری در مقابل فشارهای تحصیلی و زندگی داشته، لذا توانایی بیشتری را برای سازگاری با محیط اطراف از خود نشان می دهند (اسمیت، ۲۰۰۴).

یافته ی دوم پژوهش نشان داد بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی با سازگاری اجتماعی همبستگی منفی معناداری وجود دارد. این یافته با یافته های حیدری، فلاحی و حاجیلو (۱۳۹۷)، صلیبی و احمدی (۱۳۹۲)، کرزو و همکاران (۲۰۱۸) و دیاکونوگراسیم و ماریان (۲۰۱۶) همسو می باشد. در تبیین یافته ی حاضر می توان اینگونه استدلال کرد که بنا بر یافته های گاتمن (۱۹۹۸) به نقل از تقوایی، رجبی و قنبریان دهکردی، (۱۳۹۰) والدینی که دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه هستند مدیریت هیجانی بالاتری را از خود نشان داده و این ویژگی را نیز به فرزندان خود منتقل می کنند و توانایی حل مساله را در برخورد با مشکلات و موانع به کودکان خود می آموزند. این گروه از والدین به فرزندانشان ارزش هیجانی در زندگی را آموزش داده و لذا آنان از همان ابتدا با پذیرش خود به عنوان موجوداتی ارزشمند و یکتا به رسمت شناختن هیجانات خود یعنی پرورش آن را دارند. این والدین در شیوه ی فرزندپروری خود به ارزش هیجانات و زندگی توجه ویژه ای نشان داده و فرزندانشان نیز از مهارت های اجتماعی بالاتری برخوردارند.

در واقع مسئولیت پذیری والدین و صمیمیت از عناصر مولفه های رابطه و مراقبت به شمار می روند و کنترل و محدودیت، از عناصر ساختار محسوب می شوند. به طور کلی در سبک های فرزندپروری مقتدرانه هر سه مولفه به میزان مناسب مشاهده می شود. این والدین با درخواست های معقول برای فرزندان محدودیت ایجاد می کنند و بر رفتار وی کنترل و نظارت دارند که منجر به عدم ناسازگاری اجتماعی می شود، در عین حال در رابطه ی خویش صمیمیت و محبت نشان می دهند. همچنین از رفتارهای محبت آمیز مانند در آغوش گرفتن یا بوسیدن فرزند خود بیشتر استفاده می کنند. از آنجا که این والدین فرزندان خود را تشویق کرده و مشارکت خود در تصمیم گیری های خانواده را ترغیب می نمایند، کودکان آنها از اعتماد به نفس و خودگردانی بالاتری برخوردارند. براساس آنچه محققانی چون اریکسون، پیاژه و دیگران درباره ی شرایط تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی کودکان یافته اند به نظر می رسد زمانی که سبک فرزندپروری والدین از لحاظ مولفه هایی چون مراقبت، رابطه و ساختار نامناسب است، بستر تحول نامناسب فراهم شده و در نتیجه موجب رفتارهایی می شود که به عنوان منفی برچسب خورده است. زمانی که این مولفه ها افزایش می یابد رفتارهای مثبت نیز افزایش می یابد که این شرایط عموماً با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد (دیاژ، ۲۰۰۵). از سویی دیگر کاهش این مولفه ها که معمولاً با سبک فرزندپروری سهل گیرانه و مستبدانه همراه است با کاهش رفتارهای مثبت مورد انتظار رابطه دارد. در سبک سهل گیرانه، کمتری میزان ساختار موجود است. این والدین کنترل روی فرزندان خود ندارند، بنابراین اکثر این فرزندان ممکن است به سمت رفتارهای ناسازگارانه

کشیده شوند. همچنین مولفه های مراقبت نیز در این والدین کم است و کنترل کمی بر اعمال فرزندان خود ایفا می کنند که بستر ناسازگاری اجتماعی را فراهم می شود. (آینولا و نورمی، ۲۰۰۵؛ به نقل از کارازه، عبدی و حیدری، ۱۳۹۴).

یافته ی سوم پژوهش نشان داد بین تاب آوری با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با یافته های فراهانی و حیدری (۱۳۹۷)، شکری و سیاردوست تبریزی (۱۳۹۷)، شیخ الاسلامی، صادقی ولنی و محمدی (۱۳۹۴) و تامپسون و همکاران (۲۰۱۸) همسو می باشد. در تبیین یافته ی حاضر می توان اینگونه بیان کرد که از آنجایی که افزایش تاب آوری می تواند موجب بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی و در نهایت سازگاری شوند (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۴)، دانش آموزانی که تاب آوری بالاتری از خود نشان می دهند در سازگاری اجتماعی هم به نوبه ی خود نمرات بالاتری به دست می آورند. دانش آموزان تاب آور بهتر می توانند با مشکلات درسی و زندگی کنار آیند و انعطاف پذیری بیشتری را از خود نشان دهند. این گروه از دانش آموزان در روابط بین خود و والدین احساس امنیت می کنند و از پیشرفت های بیشتری و اعتماد به نفس بالاتری از خود نشان می دهند و سازگارتر شده و تلاش برای یادگیری و سازگاری با دنیای خارج نیز در دانش آموزان با تاب آوری بیشتر، بالاتر است. تاب آوری بالا به فرد در مدیریت شرایط استرس زا و سازگاری با این شرایط کمک می کند و موجب می شود فرد در مقابله با مصائب و ناملایمات زندگی نه تنها جان سالم به در ببر (بونانو، ۲۰۰۴) بلکه می تواند به سطح جدیدی از تعامل و رشد مثبت دست یابد، از پویایی بیشتری بهره مند بوده و به سازگاری اجتماعی و عملکرد مثبت، منجر شود.

به طور کلی، نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که هوش معنوی، تاب آوری و سبک فرزندپروری مقتدرانه با سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و این سه متغیر به طور معناداری سازگاری این گروه را پیش بینی کنند. براین اساس، پیشنهاد می شود که از برنامه ها و آموزش های مناسب جهت بهبود و تقویت عواملی از قبیل هوش معنوی، تاب آوری به منظور افزایش سازگاری اجتماعی استفاده شود. از جمله محدودیت های این پژوهش انتخاب نمونه صرفاً از میان دانش آموزان کلاس سوم ابتدایی و شهر تهران است که تعمیم پذیری نتایج را با محدودیت مواجه می کند. جهت تعمیم پذیری بیشتر نتایج و دستیابی به روابط علت و معلولی، این چنین پژوهش هایی را روی دانش آموزان سایر مقاطع تحصیلی و در صورت امکان به روش آزمایشی انجام دهند.

منابع

- امان الهی، عباس؛ عطاری، یوسفعلی و خجسته مهر، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه ی عملکرد خانواده و جو روانی اجتماعی کلاس با ناسازگاری در بین دانش آموزان سال اول دبیرستان شهر اهواز. تازه ها و پژوهش های مشاوره. ۸(۳۰)، ۸۱-۶۱.
- باقرزاده نیم چاهی، صفورا؛ حسینی طبقدهی، سیده لیلا و حافظیان، مریم. (۱۳۹۷). رابطه خودآگاهی و یادگیری خودتنظیمی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر دوره متوسطه. فصلنامه مطالعات روانشناسی تربیتی. ۳۰(۳۰)، ۲۹-۵۰.
- تقوایی، داوود؛ رجبی، ابوالفضل و قنبریان دهکردی، جهانگیر. (۱۳۹۰). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و مهارتهای اجتماعی با سازگاری اجتماعی. فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی بوشهر. ۲(۷)، ۷۵-۹۸.
- حسین پور، کبری. (۱۳۸۱). بررسی تاثیر شیوه های فرزند پروری مادران بر میزان بروز نشانه های اضطرابی، استرس و وافرزدگی در فرزندان آنها. پایان نامه کارشناسی دانشکده روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسین خانی، محمد؛ مرادیانی گیزه رود، خدیجه، ۱۳۹۳، تأثیر امنیت در مدرسه بر تاب آوری: نقش واسطه ای عزت نفس و حل - مسئله، مجله ی اندیشه های نوین تربیتی، سال دهم، شماره ی ۳، صص ۱۲۱-۱۰۳.

- حیدری، فاضله؛ فلاحی، وحید و حاجیلو، جلیل. (۱۳۹۷). نقش شیوه های فرزندپروری و سبک های دلبستگی در پیش بینی سازگاری دانش آموزان با مدرسه. فصلنامه روانشناسی مدرسه. ۱۷(۱)، ۱۵۲-۱۳۹.
- دهقانی، یوسف؛ اصلانی، خالد و دریکوندی، ناهید. رابطه ی شیوه های فرزندپروری، دینداری و هوش هیجانی با آمادگی به اعتیاد در دانش آموزان دبیرستانی. مجله ی اصول بهداشت روانی. ۱۷(۲)، ۸۰-۷۵.
- رشیدی، مهران. (۱۳۹۵). روانشناسی رشد: سازگاری و خلاقیت. تهران: تحفه، بشری.
- شریفی ریگی، علی و بساک نژاد، سودابه. (۱۳۹۷). نقش بلوغ عاطفی، خودتاب آوری و هوش معنوی در پیش بینی سازگاری با دانشگاه، با کنترل «انعطاف پذیری شناختی» در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه جندی شاپور اهواز. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم. ۱۲(۷)، ۷۸-۶۹.
- شکری، امید و سیاردوست تبریزی، آرزو. (۱۳۹۷). نقش واسطه ای تاب آوری روان شناختی در رابطه ارزیابی های شناختی و حمایت اجتماعی ادراک شده با بهزیستی هیجانی و رفتارهای سلامت در نوجوانان. فصلنامه روانشناسی سلامت. ۷(۲۶)، ۱۰۰-۷۵.
- شیخ الاسلامی، علی؛ صادقی ولنی، زلیخا و محمدی، نسیم. (۱۳۹۴). رابطه ی تاب آوری و حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری مادران دارای فرزند کم توان ذهنی. روانشناسی افراد استثنایی. ۵(۲۰)، ۱۳۹-۱۲۵.
- صلیبی، ژانست و احمدی، عارفه سادات. (۱۳۹۲). رابطه بین شیوه های فرزندپروری و کمال گرایی مادران با سازگاری عاطفی و اجتماعی دانش آموزان دختر سال دوم دبیرستان. پژوهش نامه زنان. ۴(۷)، ۱۶۲-۱۳۹.
- ظروفی، محمد. (۱۳۸۰). بررسی رابطه میان ساختار خانواده و اختلالات رفتاری. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر.
- فرهانی، مریم و حیدری، حسن. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تاب آوری افراد مبتلا به بیماری ام اس. رویش روانشناسی. ۷(۶)، ۱۶۲-۱۴۹.
- کارازه، شیلا؛ عبدی، منصور و حیدری، حسن. (۱۳۹۴). بررسی کارکرد خانواده و نقش سبک های فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات رفتاری. اندیشه و رفتار. ۹(۳۶)، ۲۷-۱۷.
- کردمیرزا نیکوزاده، عزت الله (۱۳۸۸). الگوی زیستی - معنوی - روانی در افراد وابسته به مواد و تدوین برنامه مداخله برای ارتقای تاب آوری مبتنی بر روایت شناسی شناختی و روان شناسی مثبت نگر. پایان نامه دکتری روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- محمدی، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه ی سازگاری اجتماعی در دانش آموزان با ناتوانی یادگیری درس ریاضی پایه سوم و چهارم در قم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- مرتضوی، نرگس سادات و یاراللهی، نعمت الله، ۱۳۹۴، فراتحلیل رابطه ی بین تاب آوری و سلامت روان، مجله ی اصول بهداشت روانی. سال هفدهم، شماره ی سه، صص ۱۰۸-۱۰۳.
- معلمی، صدیقه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه ی سلامت روان، هوش معنوی و افکار ناکارآمد در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان. اصول بهداشت روانی. ۱۲(۴۸): ۷۰۹-۷۰۲.
- میکائیلی منیع، فرزانه؛ بابایی، زینب و حسنی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ی دینداری، هوش معنوی و بخشش با سازگاری اجتماعی در دانشجویان سال اول. روانشناسی و دین. ۳۳(۱)، ۱۴۲-۱۲۳.
- یارمحمدیان، احمد و شرفی راد، حیدر. (۱۳۹۰). تحلیل رابطه ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان. مجله ی مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای. ۲(۸)، ۵۰-۳۵.

- Adli, M., Haidari, H., Zarei, E., & Sadeghifard, M. (۲۰۱۳). Relationship between emotional and social adjustment with marital satisfaction. *Journal of Life Science and Biomedicine*, ۳(۲), ۱۱۸-۱۲۲.
- Bahareh Kashani Movahhed^۱, Hossein Nikfarjad^{۱*}, Hamidreza shahbazpoor^۱, Seyede Kamelia Davodzadeh^۱, Parisa Molaei^۱, Mohammad Molla Mahmoudi^۲. (۲۰۱۸). The relationship between regular physical activity with spiritual intelligence and psychological well-being among the elderly in Tehran. *Journal of Research on Religion & Health*. ۲۰۱۸; ۴(۲): ۸۱- ۹۳.
- Bigourklund W. L., & Rehling, D. L. (۲۰۱۰). Students' perceptions of classroom incivility. *College Teaching*, ۵۸, ۱۵-۱۸.
- Bonanno, G. A. (۲۰۰۴). Loss, Trauma, and human resilience. *American psychologist*, ۵۹, ۲۰-۲۸.
- Cerezo, F., Cruz, CR, Lacasa, CS., & Gonzalo, JA. (۲۰۱۸). Dimensions of parenting styles, Social climate, and bullying victims primary and secondary education. *Psicothema*. ۳۰(۱). ۵۹-۶۵.
- Diaconu-Gherasim, L. R., & Mairean, C. (۲۰۱۶). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations. *Learning and Individual Differences*, In Press, Corrected Proof.
- Diaz, Y. (۲۰۰۵). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland. *Disabilities. The Internet Journal of Mental Health*, ۱(۲), ۴۸-۶۱.
- Emerson, E., & Liewellyn, G. (۲۰۰۸). Mental health of Australian mothers and fathers of young children at risk of disability. *Australian and New Zealand Journal of Public Health*, ۳۲, ۵۳-۵۹.
- Friedman, M.J., (۲۰۱۳). Finalizing PTSD in DSM-۵: getting here from there and where to go next. *J. Trauma. Stress* ۲۶, ۵۴۸-۵۵۶.
- Gaballah, A. S., & Zayed, A. M. (۲۰۱۸). The Mediation of Spiritual Intelligence and Forgiveness in Relationship between Stress Coping Strategies and Well-being in a Structural Model. *University of Bahrain Scientific Journals*. ۱۹(۱): ۵۵۵-۲۷۰.
- George, N. I., & Ukpong, D. E. (۲۰۱۲). Adolescents' sex differential social adjustment problems and academic performance of junior secondary school students in Uyo Metropolitan City. *International Journal of Business and Social Science*, ۳(۱۹), ۵۴۵-۵۵۱.
- Hoeverd, W.J., & Sibley, C.G. (۲۰۱۳). Religion, deprivation and subjective wellbeing: Testing a religious buffering hypothesis, *International Journal of Wellbeing*, (۳): ۱۸۲-۱۹۶.
- Peng, G. (۲۰۱۵). Self-regulated learning behavior of college students of Art their Academic Achievement, *Physics Procedia*, ۳۳: ۱۴۵۱-۱۴۵۵.
- Scheier LM, Hansen WB. Parenting and Teen Drug Use: The Most Recent Findings from Research, Prevention, and Treatment. Oxford: Oxford University Press; ۲۰۱۴. pp: ۳۷۱.
- Smith, S, ۲۰۰۴, Exploring the interaction of emotional intelligence and spirituality, *Traumatology*, v. ۱۰, p. ۲۳۱-۲۴۳.
- Thompson, NJ., Fiorillo, D., Rothbaum, BO., Ressler, KJ., & Michopoulos, V. (۲۰۱۸). Coping strategies as mediators in relation to resilience and posttraumatic stress disorder. *Journal of Affective Disorders Volume*. ۱(۵۵۵): ۱۵۳-۱۵

The relationship between spiritual intelligence, parenting styles and resilience in predicting social adjustment of students

Abstract

The purpose of this study was to investigate The relationship between spiritual intelligence, parenting styles and resilience in predicting social adjustment of students. The research method was descriptive-correlation. The statistical population of this research was all students of the third elementary school in Tehran formed in the academic year of ۲۰۱۷-۲۰۱۸, Among them, ۱۸۱ students were selected by cluster random sampling method and The King's Spiritual Intelligence Questionnaire, Lambert & Associates Social Reconciliation Questionnaire, Carner and Davidson Resilience Questionnaire, and Bamirard Parenting Style Questionnaire were used for data collection. Data analysis was performed through Peassonss coedation coeiiicient and eegession analysis. The eesults of the study showed that the significant positive correlation between Spiritual intelligence, authoritative parenting style and resilience with social adjustment and significant negative Authoritative parenting style and autocratic parenting style with social compatibility of students ($p < ۰,۰۰۱$). Also, the results of regression analysis revealed that roughly ۰,۴۰% of the total variance of students' Social adjustment was predicted based on variables of Spiritual intelligence, parenting styles and resilience. Therefore, it can be concluded that Spiritual intelligence, parenting styles and resilience are among the variables associated with Social compatibility in students that require attention and planning.

Keywords: Spiritual intelligence, Parenting styles, Resilience, Social Adjustment, Students.

